

توافق هسته‌ای و برساختگی هویت جدید ایران در افکار عمومی بین‌المللی

محمد رضا دهشیری *

حسین مسعودنیا **

محسن رضائی جعفری ***

چکیده:

توافق هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ از جمله رخدادهای مهمی است که نه تنها دارای اثرگذاری قابل توجه در داخل ایران، بلکه دارای پیامدهای مهم منطقه‌ای و بین‌المللی است. یکی از مهم‌ترین این پیامدها تأثیر این توافق بر افکار عمومی جامعه بین‌الملل و بازسازی تصویر جمهوری اسلامی در رسانه‌ها و نهایتاً افکار عمومی جهان است. سؤال اصلی این مقاله آن است که توافق هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ چه تأثیری بر افکار عمومی بین‌المللی نسبت به ایران گذاشته است؟ در پاسخ به این پرسش و با بهره‌گیری از نظریه سازه‌انگاری، این فرضیه مطرح

*. دانشیار علوم سیاسی دانشکده روابط بین‌الملل.

** استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان.

*** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول): mohsenrezaei66@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۱۶

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره شانزدهم، صص ۱۰۲ - ۷۳.

شده است که توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ موجب شده تصویر ذهنی جامعه بین‌الملل تغییر یابد و با زیر سؤال بردن «پروژه ایران‌هراسی» موجبات برساخته‌شدن هویت ایجابی ایران در افکار عمومی جامعه بین‌الملل را فراهم آورده است. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، به تجزیه و تحلیل اظهارات و واکنش‌های بین‌المللی نسبت به این توافق پرداخته و در پایان نتیجه گرفته است که توافق هسته‌ای از رهگذر ارتقای ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران فرصت مناسبی را برای نمایاندن چهره واقعی و صلح‌طلب ایران به وجود آورده است.

واژه‌های کلیدی: سازه‌نگاری، هویت، دیپلماسی عمومی، توافق هسته‌ای، افکار عمومی.

مقدمه

القای هراس از ایران از همان سال‌های ابتدایی وقوع انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، به عنوان یک پروژه گفتمانی به اشکال مختلفی در رسانه‌های غربی جلوه‌گر شده است؛ این پروژه از طریق ابزارهای نوین تبلیغاتی و عملیات روانی از رسانه‌های مکتوبی چون کتاب‌ها، مجلات و روزنامه‌ها گرفته تا رسانه‌های دیداری و شنیداری (در قالب‌های متنوعی چون فیلم، سریال، اخبار، مستند). در سال‌های اخیر دامنه وسیعی پیدا کرده است. ضمن آن که محورهای بیش‌تری را نسبت به دو دهه ابتدایی انقلاب اسلامی در بر می‌گیرد (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۰-۶۹).

یکی از محورهای اساسی پروژه ایران‌هراسی که در سال‌های اخیر مورد توجه جدی رسانه‌های غربی و تبلیغات آن‌ها علیه جمهوری اسلامی بوده است، مسئله برنامه هسته‌ای ایران است. نوع بازنمایی‌های صورت‌گرفته از برنامه هسته‌ای ایران توسط رسانه‌های غربی به گونه‌ای است که عموماً تصویری هراس‌انگیز و تهدیدآمیز از فعالیت‌های هسته‌ای ایران ارائه داده‌اند و به جنگ روانی گسترده‌ای در این رابطه دامن زده‌اند. در واقع، از زمان اوج‌گیری انتقادات مجامع بین‌المللی از این برنامه - از مهر ماه ۱۳۸۲ تاکنون - رسانه‌های جهانی به پی‌گیری و تحلیل لحظه به لحظه رویدادها در این رابطه پرداخته‌اند و به‌ویژه بر طبل اتهامات انحراف ایران به سمت برنامه‌های نظامی می‌کوبند. دامنه و چگونگی پوشش خبری رسانه‌های بزرگی همچون CNN، News Fox، BBC و دیگر رسانه‌های قدرتمندی که از پوششی جهانی برخوردارند، نشان می‌دهد که روندی از پیش تعیین‌شده نسبت به برنامه هسته‌ای ایران در نظر گرفته شده که [بعد از گذشت بیش از یک دهه] افکار عمومی جهان را به سمت خطرناک‌بودن اقدامات ایران سوق داده است. در این رابطه

عباراتی همچون «تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای»^۱، «بحران هسته‌ای ایران»^۲، و «معمای هسته‌ای ایران»^۳ به کرات به چشم می‌خورد که چه در بخش‌های ویژه خبری و چه در تحلیل‌ها هر روزه به کار می‌رود (Gertz, 2005:1).

با وجود این، بازتاب مثبت و گسترده توافقی جامع هسته‌ای وین میان ایران و گروه ۵+۱ موسوم به برجام، در رسانه‌ها و افکار عمومی جامعه بین‌الملل، فرصت‌های مناسبی را برای تغییر ذهنیات جامعه بین‌المللی نسبت به برنامه هسته‌ای ایران به وجود آورده است. در واقع، می‌توان ادعا کرد یکی از مهم‌ترین پیامدهای برجام، تأثیر این توافق بر افکار عمومی بین‌المللی و بازسازی تصویر جمهوری اسلامی در رسانه‌ها و نهایتاً افکار عمومی جهان بوده است.

سؤال اصلی مقاله حاضر آن است که توافق هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ چه تأثیری بر افکار عمومی بین‌المللی نسبت به ایران خواهد گذاشت؟ در پاسخ به این پرسش و با بهره‌گیری از نظریه سازه‌نگاری و با تأکید بر متغیر میانگیر دیپلماسی عمومی^۴، با این

1. Acquiring Nuclear Weapons
2. Iran Nuclear Crisis
3. Iran Nuclear Dilemma

۴. دیپلماسی عمومی به عنوان فرآیند دولتی ارتباط با مردم خارجی قلمداد می‌شود که هدف آن فراهم کردن درک و فهم ایده‌ها و آرمان‌ها، نهادها و فرهنگ مردم خود و همچنین، اهداف و سیاست‌های ملی‌اش تعریف می‌شود (Eytan, ۲۰۰۸: ۵۷۲). شارپ دیپلماسی عمومی را فرآیندی تعریف می‌کند که یک کشور با استفاده از روابط مستقیم با مردم دیگر کشورها برای پیشبرد اهداف خود دنبال می‌کند و منافع و ارزش‌های کسانی که آنها را ارائه می‌دهند، گسترش می‌دهد. تعریف شارپ منعکس‌کننده تعاریف جدید از چندسطحی بودن دیپلماسی عمومی است که فقط منافع را تأمین می‌کند، بلکه ارزش‌ها را نیز اشاعه می‌دهد. (Sharp, ۲۰۰۵: ۱۰۶)

در تعریف دیگر از دیپلماسی عمومی آمده است: تلاش یک دولت برای برقراری ارتباط با عموم یک جامعه دیگر تا طی این تلاش، ارزش‌ها، فرهنگ‌ها، سیاست‌ها و عقاید جامعه خود را برای آن‌ها توضیح دهد و بدین ترتیب، رابطه، وجهه و شهرت خود را در آن کشور بهبود و ترمیم بخشد. (تیلر، ۱۳۸۷: ۶۹)

ایگیلوبا دیپلماسی عمومی را از منظر رسانه‌ها بررسی می‌کند. او رسانه‌ها را به شکل کانال‌هایی می‌بیند که بازیگران دولتی و غیردولتی از طریق آن پیام‌هایشان را برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی شهروندان خارجی می‌رسانند؛ به‌خصوص در مواردی که بازیگران حامی در کشور هدف تصویر نامطلوبی دارند، با استفاده از ارتباطات رسانه‌ای تصویر خود را در کشور هدف متعادل می‌کنند. این طور فرض می‌شود که مردمی که دریافت‌کننده پیام هستند، در تصمیمات دولت‌شان نسبت به دولتی که فرستنده اطلاعات بوده، تغییراتی را ایجاد می‌کنند. (Kieldanowicz, 2009: 6-7)

به‌طور خلاصه و بر اساس تعاریف موجود، می‌توان ویژگی‌های دیپلماسی عمومی را این چنین برشمرد: (شفیعی و نژاد زندیه، ۱۳۹۲: ۱۵۷)

اطلاع‌رسانی، تعامل و نفوذ در اذهان عموم مردم خارجی کشور هدف در حمایت از منافع ملی کشور مقصد؛ توسط عوامل دولتی و غیر دولتی برای درک فرهنگ و نگرش‌ها با هدف تأثیرگذاری بر افکار و رفتار؛ استفاده از طیف گسترده‌ای از شبکه‌ها و مهارت‌ها در جهت مشارکت و نفوذ؛ توسعه، حفظ و ارتقاء قدرت نرم کشور و ایجاد وجهه و تصویر مثبت در اذهان عموم.

فرضیه که توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ موجب می‌شود که تصویر ذهنی منفی افکار عمومی بین‌المللی تغییر یابد و با رد «پروژه ایران‌هراسی» به برساخته‌شدن هویت جدید ایران در افکار عمومی جامعه بین‌الملل منجر شود، مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به تجزیه و تحلیل اظهارات و واکنش‌های بین‌المللی به این توافق می‌پردازد.

بررسی ادبیات تحقیق گواه آن است که آثار متعددی با موضوع برنامه هسته‌ای ایران، ایران‌هراسی و موضوعات مرتبط با این مقاله به رشته تحریر در آمده است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. از جمله:

مقاله‌ای تحت عنوان «برنامه هسته‌ای ایران از نگاه دیپلماسی عمومی» نوشته افسانه احدی که در فصلنامه راهبرد، در تابستان سال ۱۳۸۸ به چاپ رسیده است. نویسنده در این مقاله با اشاره به نقش افکار عمومی و تأثیرگذاری آن بر رویدادهای جهانی، تأکید می‌کند که تقویت نفوذ و بهبود وجهه ایران در میان افکار عمومی جهان می‌تواند مانع مهمی در اجماع‌سازی طرف‌های غربی در برابر ایران باشد. همچنین مقاله دیگری با عنوان «آمریکا و برنامه هسته‌ای ایران، استراتژی برچینش و ابزارهای آن» که توسط احمد سلطانی‌نژاد، مصطفی زهرانی و مهدی شاپوری در بهار سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده، به بررسی استراتژی اصلی آمریکا در برخورد با مناقشه هسته‌ای ایران، ابزارهای اجرایی این استراتژی و چشم‌انداز آینده آن می‌پردازد. استدلال نویسندگان این است که استراتژی اصلی واشنگتن در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران، برچینش هسته‌ای است. دیپلماسی، تحریم، بازدارندگی، سدنفوذ، تهدید به حمله نظامی و عملیات خرابکارانه با هدف به تأخیرانداختن فرآیند تکمیل چرخه سوخت هسته‌ای ایران، مهم‌ترین ابزارهای اجرایی این استراتژی به شمار می‌روند. نویسندگان مقاله بر این مسئله اذعان می‌کنند که با افزایش فشارها و تهدیدها علیه ایران و تأکید بر نپذیرفتن ایران هسته‌ای از سوی مقامات واشنگتن، چنین به نظر می‌رسد که آمریکا همچنان به گونه‌ای جدی استراتژی برچینش را دنبال خواهد کرد. مقاله‌ای دیگر با عنوان «ایران‌هراسی در آمریکا: بازنمایی شرق‌شناسانه از برنامه هسته‌ای ایران در مستند ایران‌نیوم» که توسط فؤاد ایزدی، حسین مهربانی‌فر، رامین چابکی و مهدی متین‌جاوید به رشته تحریر در آمده و در زمستان سال ۱۳۹۲ چاپ شده است، با تأکید بر جنگ روانی دولت‌های غربی علیه فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، به‌طور خاص به «مستند ایران‌نیوم» که در این راستا تهیه شده است، اشاره نموده و

تلاش می‌کند با استفاده از چارچوب نظری بازنمایی و بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان، رویکردهای گفتمانی موجود در این مستند را مورد بررسی قرار دهد. علاوه بر این مقالات، مقاله دیگری که توسط محسن شریعتی‌نیا با عنوان «ایران‌هراسی: دلایل و پیامدها»، که در شماره ششم فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است، دلایل این پدیده و نیز پیامدهای آن بر موقعیت بین‌المللی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد و تأکید می‌کند که پیامد ایران‌هراسی، شکل‌گیری ائتلافی با محوریت ایالات متحده و با اتخاذ استراتژی‌های موازنه‌گری سخت و نرم برای محدود کردن ایران است.

با عنایت به مرور پیشینه پژوهش می‌توان گفت که مقالات موجود از زاویه عملکردی و کارکردی به ابعاد برنامه هسته‌ای ایران نگرسته‌اند و کمتر به تغییر افکار عمومی بین‌المللی آن هم با توجه به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام). لذا آثار موجود از زاویه‌ای متفاوت به موضوع پرونده هسته‌ای ایران نگرسته‌اند. بررسی ادبیات تحقیق بیانگر آن است که آثار فوق، برنامه هسته‌ای ایران و موضوعات مرتبط با آن را در دوران پیش از توافق وین مورد واکاوی قرار داده‌اند اما مقاله حاضر سعی دارد این مسأله را پس از توافق جامع هسته‌ای (برجام). میان ایران و گروه ۵+۱ بررسی نماید و آثار این توافق را در برساختگی هویت جدید ایران در افکار عمومی جامعه بین‌الملل مورد واکاوی قرار دهد.

۱. چارچوب نظری: سازه‌انگاری و هویت

سازه‌انگاری از جمله نظریه‌های جدید در مطالعات اجتماعی و روابط بین‌الملل محسوب می‌شود که نه تنها از نظر فهم نوینی که به ما از روابط بین‌الملل در بعد محتوایی آن می‌دهد، اهمیت دارد؛ بلکه از این نظر که تلاشی در حوزه فرانظری به شمار می‌آید نیز حائز اهمیت است (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۲۳). سازه‌انگاری از طریق تأکید بر هویت تلاش می‌کند چگونگی نقش و تأثیر مقوله‌های بین‌الذهانی مانند، ناسیونالیسم، قومیت، مذهب، فرهنگ، جنسیت و نژاد در سیاست بین‌الملل را توضیح دهد (دهقانی فیروزآبادی الف: ۴۳۱۳۸۸). در واقع، سازه‌انگاران بر نقش زبان، معانی، قواعد، هنجارها، نهادها، فرهنگ، هویت و... در برساخته‌شدن روابط بین‌الملل تأکید می‌ورزند (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۴۵).

سازه‌انگاران تمرکز خویش را روی مفاهیم بین‌الذهانی که در سطحی گسترده میان مردمان جهان مشترک‌اند، قرار می‌دهند. برای نمونه، هویت‌های ملی را به صورت

ساخت‌بندی‌های اجتماعی در نظر می‌گیرند. سازه‌نگاران بر این باورند که منافع و هویت‌های انسان‌ها به صورتی که آنان خویشتن را در روابط با سایرین درک می‌کنند، از طریق همان اعتقادات مشترک شکل گرفته و تبیین می‌شوند (قوام، ۱۳۸۴: ۲۲۳ - ۲۲۲). دولت‌ها در روابط بین‌الملل مانند انسان‌ها، «هویت اجتماعی» دارند که از پیش تعیین شده نیست، بلکه در روابط اجتماعی شکل می‌گیرد و تعریف می‌شود. دولت‌ها به عنوان هویت‌های اصلی جامعه بین‌الملل نه تنها به جامعه‌سازی می‌پردازند، بلکه خود جامعه‌پذیر می‌شوند. این هویت در واقع، نتیجه رابطه آن‌ها با محیط اجتماعی‌شان در داخل و محیط اجتماعی‌شان در نظام بین‌الملل است و دولت‌ها بر اساس هویت زمینه‌مند خود جهان را برای خود می‌سازند و بر اساس آن دست به کنش می‌زنند و کنش متقابل و تعاملات، واقعیت نظام بین‌الملل را می‌سازند، ولی به طور متقابل نیز در رابطه با آن ساخته می‌شوند.

از نظر «الکساندر ونت»، نظریه پرداز اصلی تئوری سازه‌نگاری، دولت‌ها موجودیت‌هایی هستند که می‌توانیم به آن‌ها هویت و منافع را منتسب کنیم (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۵). ونت توضیح می‌دهد که در فرآیند تعامل است که هویت خود و دیگری شکل می‌گیرد (خضری، ۱۳۸۸: ۸۲).

از منظر سازه‌نگاران، هویت کنش‌گران بر پیشینه‌ای از عوامل ذهنی، تجربه تاریخی فرهنگی و حضور در نهادها و بستر اجتماعی و نحوه معرفی خود به دیگر کنش‌گران، و نحوه برداشت دیگران از آن‌ها بازتولید می‌شود (ونت، ۱۳۸۵: ۳۶). هر بازیگری به عنوان حامل یک هویت، فهم و انتظار ویژه‌ای از خود دارد و مناسبات خود با دیگران را بر اساس همان فهم و نقش شکل می‌بخشد. دیگری نیز در شکل‌گیری هویت یک بازیگر (خود). نقش مهمی دارد؛ چون بخش اعظم رفتار ما (خود). بر اساس چشم‌انداز، انتظار و برداشت و شناسایی دیگری شکل می‌گیرد (قوام، ۱۳۸۴: ۲۲۵ و نصری، ۱۳۸۵: ۸).

از نظر سازه‌نگاران تمامی پدیده‌های اجتماعی از جمله افکار عمومی بین‌المللی، به صورت اجتماعی برساخته می‌شوند و مرتبط با اندیشه‌ها و برداشت‌های جاری در جامعه بین‌الملل است (سلیمی، ۱۳۸۸: ۹۴). بدین ترتیب، فرهنگ، تاریخ، هنجارها، رویه‌ها و ارزش‌های مشترک و سایر همبستگی‌های بین‌ذهنی در شکل‌دهی به هویت کنش‌گران نقش قابل توجهی دارند (هویف، ۱۳۸۵: ۴۷۵).

مسئله نقش «تصویرهای ذهنی» از خود و دیگران در شکل‌دهی به افکار عمومی بین‌المللی مورد توجه تحلیل‌های سازه‌نگار بوده است. که ذهنیت را قوام بخش هویت بازیگران بین‌المللی قلمداد می‌کنند (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۲۰-۲۱۹).

در سیاست بین‌الملل، کنش‌گران از طریق کنش‌هایشان نظام را بازتولید یا متحول می‌سازند و ساختارهای نظام برای بازتولید خود وابسته به رویه‌های کنش‌گر اندند. به عبارت دیگر، کنش‌گر آن در طول زمان با رویه‌ها و اقدامات خود و بر اساس فهمی که از واقعیت نظام، روابط حاکم بر آن، دوستی و دشمنی داشته‌اند عمل می‌کرده و حاصل آن وضع موجود است و همان‌گونه که شکل‌گیری آن محصول تعاملات، رویه‌ها و فهم مشترک بوده است، تغییر آن نیز به همین‌گونه است (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۳۹). تغییر در افکار عمومی بین‌المللی هنگامی رخ می‌دهد که کنش‌گر از طریق رویه‌های خود، هنجارها و قواعد تشکیل‌دهنده تعاملات بین‌المللی را تغییر دهد. بنابراین آن‌چه در تحول نقش دارد، تغییر در سطح فکری و معنایی است (خضری، ۱۳۸۸: ۸۴).

بر این اساس، سازه‌نگاری با توجه به اهمیتی که برای فهم‌های بین‌ذهنی و هنجارهای بین‌المللی قائل است، تغییر در افکار عمومی بین‌المللی را حاصل استفاده مناسب از هنجارهای مورد اجماع بین‌المللی می‌داند. این دیدگاه رویکردی را موفق می‌بیند که بتواند از فهم بین‌الذهانی موجود بهتر استفاده کند و تعدیلات هنجاری مناسب را به وجود آورد (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۴۴). بنابراین، هنجارها هستند که رفتار مناسب را تعیین می‌کنند و در نتیجه، کنش‌گران بر اساس منطق زیبندگی و تناسب عمل می‌کنند. به این ترتیب، هنجارها تابع منافع کنش‌گران نیستند، بلکه به این منافع شکل می‌دهند (آقایی، ۱۳۸۶: ۹۳). هنجارها به هویت و اولویت‌های بازیگران شکل می‌دهند و اهداف جمعی را تعریف می‌کنند و بر این اساس افکار عمومی بین‌المللی را جهت می‌دهند.

در مجموع، از دیدگاه سازه‌نگاران، رفتار دولت‌ها متأثر از فهم آن‌ها از دنیای اطرافشان است. بنابراین، برای فهم این که چرا دولت‌ها به منازعه یا همکاری با یکدیگر می‌پردازند، باید به بررسی این موضوع پرداخت که دولت‌های مزبور چه تصویری از منافع و محیطی که در آن زندگی می‌کنند، دارند. از نظر آنان، تصورات و کنش‌های بازیگران مستمراً برداشت از خود و دیگری را تولید و بازتولید می‌کنند (شفیعی و نژاد زنده، ۱۳۹۲: ۱۵۵-۱۵۱).

در این رهگذر، دیپلماسی عمومی از طریق ارائه تصویر مثبت از دولت‌ها، از ابزارهای

گوناهگونی برای ارتباط و تحت تأثیر قراردادن افکار عمومی استفاده می‌کند و تلاش می‌کند با ایجاد جذابیت و نشان دادن چهره‌ای توانا از کشور و تقویت این باور در میان مردم دیگر کشورها، وجهه بین‌المللی برای کشور متبوع ایجاد کند.

در واقع، دیپلماسی عمومی از رهگذر آگاه‌سازی افکار عمومی و یا بالا بردن تصویر دولت مبدأ در منظر مخاطبان خارجی خواستار تحت تأثیر قراردادن تفکرات آن‌هاست. فرض سازهانگاره در دیپلماسی عمومی آن است که اگر عقاید عمومی در جامعه هدف متقاعد شوند که تصویر مورد نظر را بپذیرند، آنان بر دولت خود اعمال فشار می‌کنند تا نگرش‌ها و سیاست‌های خصمانه موجود را تغییر دهد (Fitzpatrick, 2007: 197) دیپلماسی عمومی تلاش می‌کند تا افکار و اذهان مخاطبین خود را تغییر داده و آن‌ها را با خود هم‌سو کند. به بیان نای، قدرت در عصر اطلاعات عبارت است از بهره‌گیری از عقاید و دانایی به منظور اعمال تأثیرات بین‌المللی (Nye, 1996: 23-36).

در واقع، هنگامی که کشورها بتوانند منافع و هنجارهای کشور خود را به صورت مشروع و جذاب ارائه دهند و آن را هماهنگ با قواعد بین‌المللی جلوه دهند افکار عمومی بین‌المللی باتمایل بیش‌تری با آنان هم‌سو خواهد شد (نای، ۱۳۸۶: ۱۳۰).

در مجموع، در چارچوب نظریه سازهانگاری اهداف دیپلماسی عمومی را می‌توان در موارد زیر بر شمرد: (شفیعی و نژاد زنده: ۱۵۸۱۳۹۲).

شکل دهی به تصویر مورد نظر کشور؛

برجسته‌سازی هویت و فرهنگ کشور در نظام بین‌الملل؛

زمینه‌سازی اعمال سیاست‌ها برای تأمین منافع ملی؛

شکل دهی به محیط بین‌المللی که از طریق افزایش نفوذ و مشروعیت به واسطه جلب حمایت افکار عمومی ایجاد می‌شود.

دیپلماسی عمومی از تمام ابزارهای ممکن برای ایجاد جذابیت و تصویری مطلوب استفاده می‌کند و با افزایش اهمیت افکار عمومی و گسترش مشارکت عمومی و افزایش تعاملات بین‌المللی، ابزاری برای افزایش قدرت نرم و بهبود تصویر کشور و عاملی تأثیرگذار برای جلب توجه افکار عمومی محسوب می‌گردد و موجب می‌شود که کشورها وجهه و تصویر خود را در جهان بهبود بخشند و موقعیت خود را در عرصه بین‌المللی تثبیت نموده و تأثیرگذاری خود را افزایش دهند. این شرایط به گونه‌ای اساسی مستلزم شکل دهی به

«هویت» کشور در مسیری است که تغییرات واقعی را به طور نمادین با ارائه تصویری پایدار و برجسته به همه مخاطبان ارائه نماید. کشورها می‌خواهند تا جایی که می‌توانند، تصورات و برداشت‌ها را با واقعیات در یک ردیف قرار دهند و دیپلماسی بهترین ابزاری است که در این مسیر دولت‌ها را یاری می‌کند. بدین ترتیب، آن‌جا که واقعیات، انگاره‌ها، تصورات و هویت‌ها ساخته می‌شوند و می‌توان آن‌ها را دوباره بازتعریف کرد و شکل داد، دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از عوامل انگاره‌ساز است که می‌تواند افکار عمومی بین‌المللی و نیز انگاره‌های ساخته شده را تحت تأثیر قرار دهد.

بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی امکان تغییر چهره و هویت ساخته شده از کشور و ایجاد هویت جدید را در پرتو تعاملات متقابل و بازتعریف برداشت‌ها و فهم‌ها در جامعه بین‌الملل فراهم می‌کند و کشورها می‌توانند بر مبنای هویتی که برای خود و دیگران تعریف می‌کنند، منافع خود را تعیین و کنش‌های خود را در عرصه بین‌المللی شکل دهند (شفیعی و نژاد زنده: ۱۳۹۲: ۱۶۰-۱۵۹).

۲. پرونده هسته‌ای ایران: ایران‌هراسی و ذهنیت‌سازی منفی

مشکل عمده پرونده هسته‌ای ایران آن بوده است که در رسانه‌های غربی با موضوعات امنیتی از قبیل سلاح‌های کشتار جمعی، تروریسم و حقوق بشر پیوند داده شده است (U.S National Security strategy, 2002: 14). آمریکایی‌ها با مطرح کردن عناوین و عباراتی همچون دولت توسعه طلب، ناقض حقوق بشر، گسترش دهنده سلاح‌های کشتار جمعی، فعال‌ترین دولت حامی تروریسم (سلطانی‌نژاد، زهرانی و شاپوری، ۱۰۸۱۳۹۲)، اخلاص‌گر در نظم مناطق اطراف خود، مُخَلِّ رُوند صلح اعراب و اسرائیل، دولت یاغی و سرکش از نظم موجود^۱ (Lake, 2010). عضوی از محور شرارت^۲ پایگاه استبداد^۳ (Hiro, 2006: 2). و مانند آن درصدد بوده‌اند که «ایران‌هراسی» را نزد افکار عمومی بین‌المللی ترویج دهند.

«ایران‌هراسی» به معنای ترس مفرط و غیرعقلانی از ایران خصوصاً با بزرگ‌نمایی تهدید ایران هسته‌ای کاربرد داشته است (Chernus, 2010: 27). به عبارت دیگر، «ایران‌هراسی»، پروژه‌ای راهبردی به شمار می‌آید که بر اساس آن، ایران به عنوان تهدیدی

1. Rogue State
2. Axis of Evil
3. Outpost of tyranny

بزرگ در منطقه و همچنین تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی مطرح و به عنوان یک متغیر مزاحم و بازیگر اخلاقی در نظام بین‌الملل به تصویر کشیده می‌شد. هدف این رویکرد به حاشیه راندن جمهوری اسلامی ایران بوده است. «(کیاجوری، ۱۳۹۰: ۵۱).

ایران هراسان مدعی هستند که ایران به دنبال دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی خصوصاً تسلیحات هسته‌ای است تا در برابر اسرائیل-دشمنی که قبلاً به این تسلیحات دسترسی داشته است- از خود دفاع کند (Nakhleh, 2009: 14). این در حالی است که اسرائیل مدعی است به شدت از دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای احساس خطر می‌کند و به آمریکا فشار می‌آورد تا هر چه سریع‌تر فعالیت‌های هسته‌ای ایران را متوقف سازد (Allin & Simon, 2010: 46-50).

محورهای ایران‌هراسی و جنگ روانی رسانه‌های غربی علیه ایران را به طور کلی می‌توان در هفت محور خلاصه کرد که عبارتند از: (۱) القای دسترسی ایران به سلاح‌های هسته‌ای؛ (۲) حمایت ایران از تروریسم؛ (۳) نقض حقوق بشر در ایران؛ (۴) القای تهاجمی بودن فناوری‌های دفاعی ایران؛ (۵) دخالت جمهوری اسلامی ایران در امور کشورها؛ (۶) اسلامی بودن نظام سیاسی در ایران؛ (۷) القای مخالفت ایران با صلح و ثبات منطقه‌ای (سراج، ۱۳۸۸: ۷۴ و Spindle and Coker, 2011).

آمریکایی‌ها وانمود می‌کنند که ایران به دنبال دستیابی به تسلیحات هسته‌ای است و مدعی‌اند که تمایل نداشتن ایران برای کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای خود منافع واشنگتن را در ثبات منطقه‌ای، امنیت اسرائیل و رژیم منع گسترش سلاح هسته‌ای به خطر انداخته است.

از نگاه آمریکایی‌ها دو احتمال تهدیدآمیز از جانب ایران ممکن است منافع این کشور را در غرب و جنوب غرب آسیا به خطر بیاندازد. نخست این که ایران در صورت هسته‌ای شدن منطقه غرب و جنوب غربی با مطالبات دیگر کشورها نظیر عربستان در زمینه هسته‌ای شدن روبرو خواهد شد. در این شرایط، آزادی عمل آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه چندقطبی هسته‌ای با محدودیت‌های زیادی مواجه می‌شود (Telhami, 2012). دوم این که در صورت حمله نظامی اسرائیل یا آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران برای ممانعت از هسته‌ای شدن ایران و تبعات و حملات تلافی‌جویانه ایران، منافع آمریکا در منطقه به مخاطره می‌افتد (Mazzetti and Shanker, 2012). آمریکایی‌ها مدعی‌اند ایران علاوه بر

برنامه هسته‌ای خود در مواردی نظیر توانایی‌های نامتقارن خود در خلیج فارس، تهدید به انسداد تنگه هرمز، اعلام نظر سیاسی در خصوص پاسخ‌گویی به حملات تلافی‌جویانه و اهریمنی جلوه دادن غرب، منافع آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن را به خطر انداخته است (Wood, 2012).

آنچه تحت عنوان «ایران‌هراسی» از آن یاد می‌شود، بر بستر وارونه‌نمایی و بازنمایی خاص نسبت به برخی از وقایع شکل گرفته تا در پرتو آن قدرت‌یابی ایران در منطقه پرهزینه جلوه داده شود (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۹۳). در واقع، نوع بازنمایی‌های صورت‌گرفته از ایران در تبلیغات و جنگ روانی رسانه‌های غربی به‌گونه‌ای است که عموماً تصویری هراس‌انگیز و تهدیدآمیز از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای کشور ارائه می‌دهند. در واقع، از زمان اوج گیری انتقادات مجامع بین‌المللی از این برنامه - از مهر ماه ۱۳۸۲ تاکنون - رسانه‌های جهانی به پی‌گیری و تحلیل لحظه به لحظه رویدادها در این رابطه پرداختند و به ویژه بر اتهامات مقاصد غیر صلح‌آمیز ایران در پی‌گیری برنامه هسته‌ای تأکید کردند. دامنه و چگونگی پوشش خبری رسانه‌های بین‌المللی، نشان می‌دهد که روندی از پیش تعیین شده نسبت به برنامه هسته‌ای ایران در نظر گرفته شده بود که افکار عمومی جهان را به سمت خطرناک بودن اقدامات ایران جهت دهد (Gertz, 2005: 1).

در طول بحرانی شدن پرونده هسته‌ای ایران، مقام‌ها و رسانه‌های غربی کوچک‌ترین موردی را که در جریان بازرسی‌های آژانس به آن‌ها اشاره می‌شد، به عنوان یکی دیگر از موارد تخلف ایران از موافقتنامه‌های بین‌المللی ذکر می‌کردند. برای نمونه یکی از مواردی که جنجال خبری گسترده‌ای را به همراه داشت، زمانی بود که حدس و گمان‌های بازرسان آژانس درباره احتمال انجام فعالیت‌های هسته‌ای پنهانی ایران در تأسیساتی در منطقه لویزان تهران منتشر شد. (Coughlin, 2006). از همان ابتدای انتشار این خبر، رسانه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی به انتشار عکس‌هایی در رابطه با نظامی بودن این تأسیسات در زمینه ساخت سلاح‌های هسته‌ای پرداختند. ایران در جواب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در باره ماهیت این تأسیسات تأکید کرد تأسیسات مذکور به تولید مواد هسته‌ای و یا فعالیت‌هایی در ارتباط با چرخه سوخت نمی‌پرداخته‌اند. مقام‌های ایران تأکید کردند سایت لویزان متعلق به سازمان صنایع نظامی و یک مؤسسه بیوتکنولوژیک است. گزارش‌های بازرسان آژانس بعد از نمونه‌برداری از محل مورد بحث نشان داد که هیچ‌گونه فعالیت هسته‌ای در

آن انجام نشده است (احدی، ۱۳۸۸: ۲۵۴).

این نمونه‌ها در جریان پرونده هسته‌ای ایران به کرات دیده می‌شود. در واقع، در هر مرحله و به تناسب اهمیت موضوعات پیش آمده، موجی گسترده از انتقادات علیه ایران مطرح شده است. این امر به ویژه هنگامی شدت بیش‌تری یافت که پرونده هسته‌ای ایران در سال ۱۳۸۵ با تصویب شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت فرستاده شد که در این زمان تلاش طرف‌های غربی به رهبری آمریکا برای بحرانی اعلام کردن فعالیت‌های هسته‌ای ایران تشدید شده است. از جمله، رسانه‌های بزرگ جهانی سعی می‌کنند تا ایران را «جنگ طلب و ستیزه‌جو» در عرصه معادلات بین‌المللی و افکار عمومی قلمداد کنند.

حتی برخی رسانه‌های غربی تلاش کرده‌اند تا وضعیت کنونی ایران را با آلمان نازی قبل از جنگ جهانی دوم مقایسه کنند و نوعی واژه‌سازی با عنوان «فاشیسم ایرانی» را رایج کنند (Blair, 2007: 1). همچنین رسانه‌های مختلف غربی سعی داشته‌اند ایران را «برهم زننده امنیت و ثبات مطلوب منطقه و جهان» معرفی کنند. نکته قابل توجه این است که این گونه عبارات در ارتباط با ایران به اشکال گوناگون تکرار می‌گردید و در تحلیل هر نوع رفتاری از ایران به آن‌ها استناد می‌شد. موج تبلیغاتی علیه ایران و برنامه هسته‌ای تا حد زیادی نیز تأثیرگذار بوده است، به گونه‌ای که به «نگرانی از مقاصد غیر صلح‌آمیز برنامه‌های ایران» در میان افکار عمومی جهان دامن زده می‌شد (Pew Global Attitudes Survey, 2008, :57-60).

در مجموع، باید اذعان داشت که از زمان آغاز بحران هسته‌ای ایران در فوریه ۲۰۰۲، رسانه‌های غرب در صدد برآمدند که به برسازای این تصویر پردازند که برنامه هسته‌ای ایران بزرگ‌ترین خطر پیش روی جامعه جهانی قلمداد می‌گردد. ادعای گروهک منافقین در سال ۲۰۰۲ در مورد فعالیت مشکوک هسته‌ای ایران موجب شد که رسانه‌های غربی فعالیت‌های هسته‌ای ایران را مخفیانه و تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی جلوه دهند. جو روانی منفی علیه ایران باعث شد تا بسیاری از کشورها و حتی مجامع بین‌المللی، ایران را به دلیل پی‌گیری برنامه هسته‌ای‌اش محکوم کنند. با وجود این که ایران به طور رسمی بارها اعلام کرده بود که برنامه هسته‌ای‌اش مطلقاً صلح‌آمیز است، رسانه‌های غربی اصرار داشتند تا وانمود کنند که ایران در نهایت مقاصد تسلیحاتی را دنبال می‌کند. آن‌ها

دستاوردهای خارق‌العاده ایران در عرصه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای را نوعی تهدید برای جامعه جهانی معرفی کردند و در صدد تشدید سیاه‌نمایی چهره ایران نزد افکار عمومی بین‌المللی برآمدند.

فعالیت‌های رسانه‌ای غرب موجب گردید که شورای امنیت در ژوئیه ۲۰۰۶ قطع‌نامه ۱۶۹۶ را با هدف تعلیق غنی‌سازی اورانیوم در ایران تصویب کند و در پی آن به تصویب قطع‌نامه ۱۷۳۷ پردازد که بیش‌تر فعالیت‌های تجاری، مالی، صنایع موشکی و هسته‌ای ایران را براساس بند ۴۱ فصل هفتم منشور ملل متحد، هدف قرار داده بود. این قطع‌نامه نخستین سند بین‌المللی حقوقی بود که فعالیت‌های هسته‌ای ایران را به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و ثبات منطقه‌ای معرفی می‌کرد.

ذهنیت منفی نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای ایران موجب تصویب قطع‌نامه‌های ۱۷۴۷ (در مارس ۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (در مارس ۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (در سپتامبر ۲۰۰۸) و ۱۹۲۹ (در ژوئن ۲۰۱۰). در شورای امنیت سازمان ملل گردید. بر اساس این قطع‌نامه‌ها، محدودیت‌های مالی بر شرکت‌ها و افراد وابسته به سپاه پاسداران و سازمان انرژی اتمی افزایش یافت.

تصویب چهار قطع‌نامه در شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران در طول سه سال و اعمال تحریم‌های بی‌سابقه علیه تهران از آن رو بود که رسانه‌های غربی توانسته بودند تصویری منفی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران را نزد افکار عمومی بین‌المللی برسانند.

۳. توافق هسته‌ای و ذهنیت‌سازی ایجابی

با روی کار آمدن دولت یازدهم و با شروع دوره ریاست جمهوری حسن روحانی که مصادف با دهمین سال مذاکرات هسته‌ای ایران با کشورهای غربی بود، مسیری جدید در روند پرونده هسته‌ای ایران گشوده شد؛ به گونه‌ای که پس از مراسم تحلیف حسن روحانی، سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه اعلام کرد گروه ۵+۱، پیشنهاد تازه‌ای را برای از سرگیری گفتگوهای هسته‌ای به ایران خواهد داد (www.afkarnews.ir: 1/4/1392).

در واقع، سیاست حسن روحانی در مسأله هسته‌ای ایران، تلاش برای خروج پرونده ایران از شورای امنیت در کنار تکمیل فناوری هسته‌ای در کشور بوده و بر این مسأله اذعان نموده که هم برای ایران و هم برای دشمنان و کشورهای غربی تنها روش، گفتگو و مذاکره

است(وبگاه حسن روحانی، بازبینی شده در ۴ تیر ۱۳۹۲).

بنابراین، دور جدید مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ از زمان روی کار آمدن دولت یازدهم شکل گرفت و نهایتاً پس از ۲۲ ماه مذاکره، در مدت حدود دوازده سال ماراتن نفس گیر مذاکرات هسته‌ای به پایان رسید و ایران و شش کشور قدرتمند جهانی پس از صدها ساعت مذاکره در مورد پرونده هسته‌ای ایران به توافق جامع و نهایی رسیدند.

توافق جامع و نهایی هسته‌ای وین با عنوان شناخته شده و رسمی برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام^۱ در راستای توافق جامع بر سر مذاکرات هسته‌ای ایران و به دنبال تفاهم هسته‌ای لوزان، در سه‌شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵). در وین اتریش بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۵+۱ (پنج عضو ثابت شورای امنیت ملل متحد، شامل: چین، فرانسه، روسیه، انگلیس و ایالات متحده به علاوه آلمان). منعقد شد.

توافق جامع هسته‌ای میان ایران و ۵+۱ از جهات گوناگون حائز اهمیت بوده و در صورت اجرا، به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های بیش از یک دهه گذشته نظام بین‌الملل پایان خواهد داد و از این لحاظ ارزش استراتژیک توافق مزبور در سطوح مختلف غیر قابل انکار است. اما آن چه بیش از همه حائز اهمیت است و در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود واکنش‌ها و اظهارنظرهای سیاستمداران، شخصیت‌ها، کارشناسان و پژوهشگران ارشد مراکز و مؤسسات مطالعات راهبردی غرب نسبت به این توافق است که هر چند اظهارنظرها و واکنش‌های منفی نیز در خلال آن به چشم می‌خورد اما غالب واکنش‌ها، مثبت و خوش‌بینانه است و نمود بیش‌ترین واکنش‌های مثبت را می‌توان پس از توافق هسته‌ای ژنو که در تاریخ ۳ آذر ۱۳۹۲ (برابر با ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳). امضا شد و همچنین توافق جامع و نهایی هسته‌ای وین (۲۳ تیر ۱۳۹۴ - ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵). مشاهده کرد.

اولین واکنش‌های مثبت، نسبت به توافق‌نامه ژنو صورت گرفت، توافق‌نامه‌ای شش ماهه و قابل تمدید پیرامون برنامه هسته‌ای ایران که در ۳ آذر ۱۳۹۲ (برابر با ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳). میان جمهوری اسلامی ایران و گروه ۵+۱ امضا شد.

بان کی‌مون، دبیرکل سازمان ملل متحد از این توافق استقبال کرد و از کشورهای امضا کننده خواست «هر کاری که برای ساختن این آغاز سازنده می‌توان انجام داد، انجام دهند.» (VOA News, November 27, 2013). او همچنین ابراز امیدواری کرد که این

توافق بتواند به نگرانی‌های بین‌المللی درباره آینده هسته‌ای ایران پایان دهد. بان کی‌مون همچنین از کشورهای جهان خواست تا به فرایند یک توافق بلندمدت که همه از آن سود می‌برند کمک کنند (yan & Levs, 2013).

یوکیا آمانو، دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز با انتشار بیانیه‌ای نوشت: «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از این توافق که در ژنو حاصل شد استقبال می‌کند، توافقی که یک قدم رو به جلو برای رسیدن به توافق ۱۱ نوامبر آژانس و سازمان انرژی اتمی ایران در تهران است» (yan & Levs, 2013).

این توافق در حوزه منطقه‌ای نیز واکنش‌های مثبتی را به دنبال داشت. کشورهای نظیر عربستان سعودی، امارات متحد عربی، مصر، ترکیه، لبنان و بحرین از جمله کشورهای مهم منطقه‌ای بودند که در این زمینه به اظهار نظر پرداختند.

دولت عربستان در نخستین بیانیه رسمی خود اظهار داشت: در صورتی که در توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱، حسن نیت وجود داشته باشد، این اقدام گامی در جهت حل جامع مسئله هسته‌ای ایران خواهد بود. (www.yjc.ir).

خبرگزاری دولتی امارات متحده عربی اعلام نمود که کابینه امارات از این توافق استقبال کرده و ابراز امیدواری کرده‌است که این توافق گامی رو به جلو برای رسیدن به توافقی دائمی باشد که از ثبات منطقه حفاظت کند و منطقه را از تنش و خطر گسترش [سلاح‌های] هسته‌ای حفظ کند (yan & Levs, 2013).

نبیل فهمی، وزیر خارجه مصر نیز از این توافق استقبال نمود و در بیانیه‌ای اعلام کرد: توافق مزبور «نگرانی‌های امنیتی همه کشورهای منطقه را رفع می‌کند» (www.fa.wikipedia.org). همچنین عبدالله گل، رئیس‌جمهور وقت ترکیه، در این باره گفت: «این یک گام بلند رو به جلوست. امیدوارم به‌زودی با یک توافق نهایی خاتمه پیدا کند. من به همه طرف‌ها به خاطر رابطه سازنده‌شان تبریک می‌گویم» (yan & Levs, 2013). وزیر خارجه لبنان نیز، از این توافق استقبال کرد و آن را «نقطه عطف مهمی در روابط ایران و غرب، به ویژه روابط ایران و آمریکا» نامید و افزود «بی‌شک این توافق یک پیروزی بزرگ برای ایران با توجه به در اختیار گرفتن حق [استفاده از] فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم در خاک خود است، حقی که غربی‌ها قبلاً انکار می‌کردند» (Business Standard, November 25 2013).

همچنین وزیر خارجه بحرين، در کنفرانس خبری گفت: «اگر این توافق به وحشت [وجود] سلاح‌های کشتار جمعی در منطقه پایان دهد، از آن استقبال می‌کنیم» (November 25, 2013 Al Jazeera,).

علاوه بر این موضع‌گیری‌ها برخی از چهره‌های جهانی نیز نسبت به توافق ژنو ابراز خرسندی و امیدواری نمودند؛ از جمله محمد البرادعی دبیرکل پیشین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از این اتفاق استقبال کرد و در توییتر خود نوشت: «پس از یک دهه سیاست‌های شکست‌خورده، دنیا بهتر است با ایران کنار بیاید. برابری، اعتمادسازی، احترام و گفتگو کلید حل هر مناقشه‌ای هستند» (November 25, 2013, Al Jazeera). همچنین هانس بلیکس، مدیرکل اسبق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز با استقبال از توافق ایجاد شده میان ایران و گروه ۵+۱ اظهار داشت: «این همکاری می‌تواند دنیا را به مکانی امن‌تر تبدیل کند» (www.fa.wikipedia.org).

علاوه بر این اظهارنظرها، بر اساس نظرسنجی مؤسسه ایپسوس، ۴۴ درصد آمریکایی‌ها با این توافق‌نامه موافق و ۲۲ درصد مخالف آن بودند. (Spetalnick, 2013).

به دنبال آن، توافق جامع هسته‌ای وین (برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام). نیز با واکنش‌های مثبتی از سوی افکار عمومی بین‌الملل و نیز مقامات رسمی بین‌المللی و بسیاری از شخصیت‌های جهانی و کشورهای منطقه روبرو شد.

بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل متحد ضمن استقبال از توافق هسته‌ای با ایران، آن را رویدادی تاریخی و بااهمیت خواند (www.aftabnews.ir).

دونالد توسک رئیس دوره‌ای شورای اروپا در رابطه با توافق هسته‌ای میان ایران و کشورهای ۵+۱ ابراز امیدواری کرد که توافق مزبور، راه را برای همکاری‌های تازه میان ایران و اتحادیه اروپا هموار سازد (www.aftabnews.ir).

جان کری، وزیر خارجه آمریکا، ضمن تشکر از دولت و وزیر خارجه ایران گفت: «می‌خواهم احترام عمیق خود را نسبت به رویکرد جدی و سازنده نمایندگان ایران در مذاکرات ابراز کنم.» (www.isna.ir).

آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان از توافق هسته‌ای با ایران به عنوان یک «موفقیت مهم» استقبال کرد و از تمام طرف‌ها خواست تا هر چه سریع‌تر این توافق را اجرا کنند (www.aftabnews.ir).

فرانسوا اولاند، رئیس جمهوری فرانسه، ضمن ابراز خرسندی از توافق ایران و شش قدرت جهانی به خبرگزاری فرانسه گفت «جهان با این توافق پیشروی خواهد کرد.» (www.fa.wikipedia.org)

وانگ ئی، وزیر امور خارجه چین اظهار داشت: «توافق هسته‌ای ایران نشان می‌دهد که دنیا می‌تواند با استفاده از مذاکره مشکلات مختلف را حل کند.» (www.fa.wikipedia.org). دیوید کامرون، نخست وزیر انگلستان، توافق هسته‌ای را به مثابه گامی تاریخی ستود و اجرای سریع و کامل آن را خواستار شد. فیلیپ هموند، وزیر امور خارجه انگلیس نیز گفت: «امیدواریم با این توافق، روابط ایران با همسایگان و جامعه جهانی بهبود یابد.» (www.aftabnews.ir). همچنین سران کشورهای عربستان، مصر، عمان، افغانستان، سوریه، کویت، عراق، امارات متحده عربی و بسیاری دیگر از کشورهای منطقه نیز نسبت به توافق صورت گرفته ابراز خرسندی و اظهار امیدواری نمودند (www.aftabnews.ir - www.fa.wikipedia.org). در مجموع باید گفت که اغلب کشورها و شخصیت‌های جهانی و منطقه‌ای و به ویژه افکار عمومی نسبت به توافق هسته‌ای در وین واکنش مثبت نشان دادند و ایران را به عنوان کشوری که با زبان منطق و گفت‌وگو به دنبال دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای است توصیف نمودند.

۴. برساختگی هویت جدید جمهوری اسلامی ایران پس از توافق هسته‌ای

امضای توافق هسته‌ای در وین موجب شد که جمهوری اسلامی ایران نه تنها از جایگاه «قدرت منطقه‌ای» به «قدرت میان منطقه‌ای»^۱ ارتقا یابد بلکه پروژه ایران‌هراسی نیز با شکست روبرو شود. مطرح شدن اقتدار مذاکراتی ایران و اهتمام آن برای دستیابی به صلح با ارائه تضمین‌ها و شفافیت‌های لازم درباره برنامه هسته‌ای خود موجب تغییر تصویر موجود نزد افکار عمومی بین‌المللی گردید.

با حل و فصل مسالمت‌آمیز مهم‌ترین پرونده اتهامی علیه ایران که بیش‌ترین تأثیر را در القای پروژه «ایران‌هراسی» داشته است می‌توان سخن از تغییر نگرش جامعه بین‌المللی به هویت جدید ایران به میان آورد، به گونه‌ای که از کشور مخرب و ثبات‌زدا به کشوری مؤثر در برقراری ثبات و امنیت منطقه‌ای تبدیل شده است.

در گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و اظهارات سران کشورهای غربی و تبع آن رسانه‌های قدرتمند جهانی به این مسأله اذعان شده است که جمهوری اسلامی ایران با مذاکره و توافق صورت گرفته نسبت به اعتمادسازی در مورد پرونده هسته‌ای اقدام نموده است. همچنین آن‌ها نسبت به رویکرد سازنده جمهوری اسلامی ایران استقبال و ابراز امیدواری کرده‌اند.

لذا در پرتوی افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، توافق هسته‌ای وین می‌تواند به عنوان پیش‌نیازی برای تغییر نگرش افکار عمومی جامعه بین‌الملل تلقی گردد. در این رهگذر، تلویزیون‌های برون مرزی جمهوری اسلامی ایران از جمله شبکه جهانی سحر، الکوثر، العالم، پرس تی‌وی، هیسپان تی‌وی، آی‌فیلم و نیز شبکه جهانی جام‌جم توانسته‌اند تصویری ایجابی از جمهوری اسلامی ایران را به مخاطبان جهانی ارائه دهند (احمدی و لطفی، ۱۳۸۹: ۱۱۶).

به‌علاوه، جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی خود تلاش کرده از هر فرصتی برای انتقال پیام خود به دیگران بهره‌گیرد به گونه‌ای که سخنرانی‌های رؤسای جمهور ایران به ویژه رئیس دولت یازدهم در سازمان ملل همیشه مورد توجه رسانه‌های مختلف بوده است (سازمند و براتی، ۱۳۹۳: ۱۲۵-۱۲۴). افزون بر این، پس از توافق هسته‌ای میان ایران و گروه ۱+۵، گام‌های مؤثری در زمینه لغو تحریم‌های تحمیلی قدرت‌های بزرگ برداشته شده و فضای لازم برای تقویت دیپلماسی عمومی ایران جهت تأثیرگذاری فزاینده بر مخاطبان بین‌المللی به وجود آمده است.

بدون شک یکی از مهم‌ترین دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران پس از توافق هسته‌ای بازسازی چهره ایران در افکار عمومی جامعه بین‌الملل است. در واقع، برجام یک فضای جدیدی برای همکاری ایران با کشورهای دنیا باز کرده و نشانه‌های مثبتی از دور شدن فضای ناامنی و آغاز فصل جدید در روابط ایران با سایر کشورها را بروز داده است. محمد جواد ظریف، وزیر خارجه دولت یازدهم بر این باور است که جمهوری اسلامی ایران خواستار گفت‌وگو، تعامل سازنده و تفاهم براساس جایگاه برابر، احترام متقابل و در خدمت منافع مشترک است. «ظریف، سایت خبری تحلیلی تابناک: ۱۳۹۳/۲/۲).

بدین ترتیب، توافق جامع هسته‌ای را می‌توان آغاز فصل نوینی از تعامل ایران و جهان و پیش‌نیازی برای گسترش ارتباطات بین‌المللی در فضای صلح، تعامل و احترام متقابل به

دور از فضای تهدید و ایران‌هراسی دانست.

با عنایت به نظریات سازه‌انگاری، توافق جامع هسته‌ای یک نشانه است. دولت یازدهم بر اساس برداشتی که از وضعیت موجود دارد، نشان‌های برای جامعه بین‌الملل فرستاده است؛ و دیگری این نشانه را بر مبنای برداشت خودش از وضعیت تفسیر می‌کند و این فرآیند علامت دادن، تفسیر کردن و پاسخ دادن، «عمل اجتماعی» را کامل و فرآیند خلق معناهای بین‌الذهانی را آغاز می‌کند و در این تعامل است که هویت خود و دیگری شکل می‌گیرد. در این روند دولت‌ها یک‌دیگر را به صورت دشمن، رقیب یا شریک معرفی می‌کنند و کنش‌های آن‌ها «تهدیدآمیز» یا «دوستانه» تلقی می‌شود (خضری، ۱۳۸۸: ۸۲). به عبارت دیگر، این هویت جدید ما را به دیگران و نیز سایرین را به ما معرفی می‌کند. دولت سایرین را براساس هویتی که او به آن‌ها نسبت می‌دهد درک می‌کند و همچنین به باز تولید هویت خویش مبادرت می‌ورزد (قوام، ۱۳۸۴: ۲۲۵). در واقع، گفت‌وگوی تلفنی حسن روحانی با باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا، ملاقات رئیس جمهور ایران با نخست وزیر انگلیس در حاشیه دومین حضور حسن روحانی در سازمان ملل (که دیدار با دبوید کامرون نخست وزیر انگلیس، اولین دیدار پس از انقلاب اسلامی ایران، در سطح مقامات دو کشور بود). و علاوه بر این بازگشایی سفارت انگلستان در ایران و سفر فیلیپ هاموند، وزیر خارجه این کشور و نیز سفر لوران فابیوس وزیر خارجه فرانسه به ایران و همچنین سفر مقامات ارشد آلمان، ایتالیا، اتریش، سوئیس و... به تهران را می‌توان وجه دیگر این بازسازی هویت تلقی نمود.

به همین دلیل است که سازه‌انگاران معتقدند بین هویت و تصمیم و سیاست بازیگران ارتباط نزدیکی وجود دارد، چون هر بازیگری در رابطه با سایر بازیگران و درباره آن‌ها برداشت‌های خاصی دارد و بر اساس همین برداشت‌هاست که منافع خاصی تولید کرده و سیاست‌گذاری می‌کند. نوع و میزان تعامل میان بازیگران تا حدود زیادی تابع این تفسیر است که چه کسی خودی و کدام بازیگر دگر ماست. بنابراین تصویرسازی عمل بر ساختن است و موضوعی است که کنش‌گران درباره آن تصمیم می‌گیرند (نصری، ۱۳۸۵: ۸).

دولت یازدهم با پی‌گیری سیاست تعامل‌گرایی با جهان، با ارائه چهره‌ای مثبت برای حل مسایل مختلف بین‌المللی علاقه‌مندی خود را به تعامل با همه کشورهای جهان برای حل موضوع‌های مختلف نشان داده و به کارگیری این سیاست خارجی، نگاه دنیا و به ویژه

کشورهای غربی را نسبت به جمهوری اسلامی ایران تغییر داده است.

توافق جامع هسته‌ای ایران و ۵+۱ تصویری نوین از ایران را به جهانیان معرفی کرده است. تصویری که بیان‌گر آن است که ایران واقعاً به دنبال تسلیحات هسته‌ای نیست و خواهان دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای بوده است. بنابراین «ایران‌هراسی» معنایی ندارد زیرا همواره ایران بر اساس منطق و احترام متقابل حاضر به مذاکره و تعامل با جامعه جهانی و اعتمادسازی است.

رئیس‌جمهور در اولین نشست خبری خود با خبرنگاران داخلی و خارجی پس از توافق هسته‌ای در مورد سیاست خارجی دولت یازدهم و مسئله ایران‌هراسی گفت: «در زمینه سیاست خارجی ما به یک آرامش، ثبات، تعامل مثبت با جهان و بازسازی چهره ایران در افکار عمومی دنیا رسیدیم. امروز نگاه به ایران نگاه دیگری است و نام ایران بیش از همیشه در رسانه‌ها در این ماه‌های اخیر مطرح بوده اما شما کمتر شاهدید در سال‌های گذشته به طور مثبت نام ایران این قدر مطرح شده باشد. این دوره جزو مقاطع استثنایی است. شاهدیم نام ایران به عنوان کشور صلح‌خواه، صلح‌طلب و تعامل‌خواه در افکار عمومی مطرح می‌شود. تقریباً ایران‌هراسی شرایط وخیم را می‌گذراند. البته با اکسیژن می‌خواهند آن را نجات دهند اما ایران‌هراسی دارای مرگ همیشگی خواهد بود؛ امیدواریم در زمینه ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی راه را ادامه دهیم.» (روحانی، ۱۳۹۴/۶/۷).

بنابراین همان‌گونه که در سخنان رئیس‌جمهوری ایران نیز برجسته است «تصویر ذهنی» نسبت به ایران در حال تغییر است و نقش «تصویرهای ذهنی» از خود و دیگران در شکل‌دهی به افکار عمومی بین‌المللی بر اساس تحلیل‌های سازه‌انگار درخور توجه است. با محور قرارگرفتن هویت جدید ایران است که ایده مرکزی سازه‌انگاری مبنی بر قراردادن ذهنیت به عنوان قوام بخش نظام سیاسی تحقق می‌یابد (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۲۰-۲۱۹). با بهره‌گیری از دیدگاه‌های جیمز روزنا می‌توان عوامل مؤثر در برساختگی هویت جدید ایران در جامعه بین‌الملل را به شرح زیر تشریح نمود:

الف. فرد: نخستین مجموعه شامل خصوصیات منحصر به فرد تصمیم‌گیرندگان می‌شود. این متغیر همه جنبه‌های تصمیم‌گیرنده یعنی ارزش‌ها، استعدادها و تجربیات پیشین فرد را شامل می‌شود که گزینه‌های سیاست خارجی و یا رفتار او را از دیگر تصمیم‌گیرندگان متمایز می‌کند. (Rosenau, 1971: 108-109). با توجه به این عامل، بررسی

ویژگی‌های فردی و شخصیتی حسن روحانی ریاست دولت یازدهم، نشان دهنده نوع نگاه وی به تغییر فضای تعامل و ارتباطات بین‌المللی است. حسن روحانی در مراسم معارفه وزیر خارجه دولت یازدهم نیز به صراحت اعلام نمود که: «سیاست خارجه جای شعار نیست. حق نداریم سیاست خارجی را برای تکبیر و کف صرف کنیم. سیاست خارجی بسیار حساس است ... سخن ما باید عاقلانه، دقیق و منطقی باشد. سیاست خارجی جای فهم درست وقایع جهانی است. ما اگر نتوانیم وقایع جهانی را درست لمس و درک کنیم و سپس نتوانیم درست تحلیل کنیم و پس از آن نتوانیم در تصمیم سازی و تصمیم گیری و سپس در اجرا موفق باشیم، قطعاً ناموفق خواهیم بود.» (روحانی، پایگاه خبری تحلیلی نسیم نیوز: ۱۳۹۲/۵/۲۶). همچنین رئیس دولت یازدهم بر این نکته اذعان دارد که «اساس سیاست خارجی باید بر مبنای تأمین منافع ملی و امنیت ملی ما باشد و اگر سیاست خارجی توانست تأمین منافع ملی را تضمین و کشور را در مسیر توسعه قرار دهد و به بیان ساده‌تر هزینه‌ها را کم و فایده‌ها را زیاد کند، این سیاست خارجی مطلوب خواهد بود. بنابراین بر مبنای واقعیت‌های دنیای امروز و شرایطی که ما امروز داریم، باید هزینه‌ها را کاهش و فایده‌ها را افزایش دهیم. سیاست خارجی در چارچوب منافع و امنیت ملی باید تدوین و تعریف شود.» (خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۲/ www.ilna.ir)

بنابراین شخصیت و اندیشه رئیس جمهور قوام‌بخش گفتمان سیاست خارجی دولت بوده است، به گونه‌ای که گفتمان‌های سیاست خارجی پیرامون اندیشه و تفکر رئیس جمهور تعریف و تدوین شده و تداوم می‌یابند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۱/ تیر/ ۱۳۹۲، سایت تابناک).

نقش: مجموعه دوم از متغیرهای مربوط به رفتار خارجی، از نقشی که تصمیم گیرنده ایفا می‌کند، ناشی می‌شود؛ بدون توجه به این که نقش‌آفرینان چه خصوصیات شخصیتی دارند. در این زمینه، توجه به نقش نقش (The role of role). نیز از اهمیت برخوردار است؛ به گونه‌ای که نقش رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور و وزیران، به ویژه وزیر امور خارجه در عدم تندروی هیجانی و دوری از احساسات و جلوگیری از سخنان تنش‌زا و چالش‌آفرین در سیاست خارجی بسیار حائز اهمیت بوده است و موجب ارائه تصویری ایجابی از دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران شده است.

متغیرهای حکومتی: به آن جنبه‌هایی از ساختار حکومتی اشاره دارد که گزینه‌های سیاست خارجی را محدود می‌سازد یا افزایش می‌دهد. تأثیر رابطه قوه مجریه و

قوه مقننه در سیاست خارجی نمونه ای از عملیاتی شدن متغیر حکومتی است. (Rosenau, 1971: 108-109). در فرآیند مذاکرات هسته‌ای، مقام معظم رهبری با تأکید بر «نرمش قهرمانانه» و با تعیین خطوط قرمز نظام در عرصه هسته‌ای، به حمایت از تیم مذاکره کننده پرداختند و در عین حال روند تصویب برجام از مسیر قانونی خود را مورد تأکید قرار دادند. رهبر معظم انقلاب در این رابطه تأکید نمودند: «نرمش و انعطاف و مانور هنرمندانه و قهرمانانه در همه‌ی عرصه‌های سیاسی، یک کار مطلوب و مورد قبولی است، لکن این مانور هنرمندانه ناپیستی به معنای عبور از خطوط قرمز، یا برگشتن از راهبردهای اساسی، یا عدم توجه به آرمان‌ها باشد؛ اینها را باید رعایت کرد. .. من کاملاً خوش‌بین هستم و معتقدم مشکلاتی که وجود دارد .. قابل حل، و راه، قابل پیمودن است.» (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴). رهبر انقلاب همچنین در حمایت از مذاکرات هسته‌ای اذعان نمودند که: «با وجود اینکه من خوش‌بین نبودم به مذاکره با آمریکا، با این مذاکرات موردی، مخالفت نکردم، موافقت کردم؛ از مذاکره‌کنندگان هم با همه وجود حمایت کردم.. اگر کسی بگوید که ما مثلاً با توافق یا با رسیدن به یک نقطه مخالفیم، نه، خلاف حق و خلاف واقع گفته است. اگر یک توافقی انجام بگیرد که این توافق توافقی باشد که منافع ملت را، منافع کشور را تأمین بکند، بنده کاملاً با آن موافقت خواهم کرد.» (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۲۰/۱/۱۳۹۴). این مهم تأثیر بسزایی در بازسازی چهره ایران در جامعه بین‌الملل داشته است.

متغیرهای اجتماعی: به آن دسته از جنبه‌های غیر حکومتی جامعه اشاره دارد که بر رفتار خارجی تأثیر می‌گذارد. جهت‌گیری‌های ارزشی عمده جامعه و میزان وحدت ملی متغیرهایی هستند که در تعیین محتوای آرمان‌ها و سیاست خارجی کشور مشارکت دارند (Rosenau, 1971: 108-109).

دیدگاه‌های مثبت در نظرسنجی‌های عمومی درباره توافقی هسته‌ای وین نشان دهنده پذیرش عمومی رویکرد تعامل با جهان است.^۱ (Mohseni, Gallagher & Ramsay, 2015).

۱. بر اساس نظرسنجی که موسسه «ایران‌پل» با همکاری دانشگاه مریلند آمریکا انجام داده است و در سپتامبر ۲۰۱۵ منتشر گردیده؛ ۷۶ درصد ایرانیانی که در این نظرسنجی شرکت کرده‌اند موافق با توافقی هسته‌ای وین هستند.

به عبارت دیگر، مردم خواهان آن نوع از سیاست خارجی هستند که در عین پی‌گیری آرمان‌های انقلابی در عرصه بین‌الملل، با توجه به مقتضیات و شرایط کنونی داخل ایران سیاستی واقع‌بینانه را در پیش گیرد و با دفاع از حقوق و منافع ملت ایران به رفع مشکلات معیشتی و اقتصادی جامعه مبادرت نماید. از منظر سازه‌انگاران نیز بررسی برخی نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد وضعیت موجود در روابط کشورها، بی‌ارتباط با نگرش‌های جاری میان مردمان کشورها نیست. به عبارت دیگر، تصمیم‌ها و جهت‌گیری‌های موجود در هر کشور با اندیشه‌ها و برداشت‌های جاری در آن جوامع مرتبط است (سلیمی، ۱۳۸۸: ۹۴).
متغیرهای محیطی: بیانگر مقتضیات نظام بین‌الملل و کنش‌های بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در محیط خارجی جامعه است. در واقع، بر اساس رویکرد پسابین‌المللی گرایانی چون روزنا، ساختار و فرآیند نظام بین‌الملل، گزینه‌های سیاست خارجی تصمیم‌گیرندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. واقعیت‌های نظام بین‌الملل در حال گذار و ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران در زمره برخی شاخص‌های متغیرهای سیستمی به شمار می‌آیند که می‌توانند ذهنیت‌های جامعه بین‌المللی را تغییر دهند. (Rosenau, 1971: 108-109).

دوران کنونی گذار در نظام بین‌الملل به دلیل سیالیت، پیچیدگی و ابهام ذاتی، از حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین مقاطع تاریخی روابط بین‌الملل به حساب می‌آید. در این دوران که مفهوم قدرت نیز با تحوّل محتوایی مواجه شده است، ابعاد نوظهور قدرت، اصالت یافتن مشخصه‌های فرهنگی، معنایی، هنجاری، گفتمانی و اشاعه معانی غیر نظامی قدرت مانند: قدرت اقتصادی، قدرت تکنولوژیک، قدرت نرم، قدرت بازیگری و قدرت اجماع‌سازی از نمادها، اهمیت یافته است. بنابراین فضا برای قدرت‌های منطقه‌ای از جمله جمهوری اسلامی ایران به طرز بی‌سابقه گشوده شده است (دهشیری، ۱۳۹۳: ۴۳-۷).
در این شرایط محیطی بین‌الملل، دریافت و برداشت منطبق بر واقعیت از شرایط جهانی، رفتار سایر بازیگران و توانایی‌های خود، عامل حیاتی در شکل دادن به رفتار محاسبه شده و منطبق بر منافع کشورها محسوب می‌گردد. قدرت‌های بزرگ، متوسط و حتی کوچکی که ارزیابی صحیحی از شرایط انتقالی داشته و برنامه‌ریزی هوشمندانه‌ای برای بهره‌برداری از این شرایط با شناخت واقع‌بینانه مزیت‌های نسبی و آسیب‌پذیری‌های خود داشته باشند، می‌توانند جایگاه جهانی خود را ارتقا داده و قدرت و نفوذ خود را نهادینه و تثبیت نمایند. در مقابل، آن دسته از کشورها که ارزیابی صحیحی از شرایط انتقالی و توانمندی‌ها و

آسیب‌پذیری‌های خود نداشته باشند، موقعیت و نفوذ خود را از دست داده و به حاشیه رانده می‌شوند. بنابراین آن نوع از دیپلماسی عمومی می‌تواند با این شرایط سازگار باشد که واقع‌بینی را در دستور کار خود قرار داده و از شرایط به وجود آمده بتواند بیش‌ترین بهره‌برداری را برای تحقق اهداف ملی نماید.

بنابراین در چارچوب نظریه‌سازهانگاری رفتار دولت‌ها در صحنه بین‌المللی را می‌توان برآیند هدایت هنجارها دانست. هویت در واقع، نتیجه رابطه آن‌ها با محیط اجتماعی‌شان در داخل و محیط اجتماعی‌شان در نظام بین‌الملل است.

از دیدگاه سازهانگاران، رفتار دولت‌ها متأثر از فهم آن‌ها از دنیای اطرافشان که صبغه اجتماعی دارد، می‌باشد. به عبارت دیگر، فهم دولت از این‌که دنیا چگونه است و چگونه باید باشد، بر رفتار آن دولت تأثیر می‌گذارد. سازنده‌گرایی مدعی است این فهم به نوبه خود متأثر از هویت و منافع دولت‌هاست. بنابراین، برای فهم این‌که چرا دولت‌ها اقدام به همکاری می‌نمایند، باید به بررسی این نکته پرداخت که این دولت‌ها چه تصویری از منافع و محیطی که در آن زندگی می‌کنند، دارند و چه تصویری از خود را در جامعه بین‌المللی عرضه می‌دارند. می‌توان اذعان داشت که دولت یازدهم، با اتخاذ سیاست خارجی تعامل‌گرا که نمود عینی آن در توافق جامع هسته‌ای نمایان گردید در جهت برساختگی هویت جدید جمهوری اسلامی ایران و خنثی‌سازی پروژه «ایران‌هراسی» گام برداشته است. این توافق پیش‌نیازی برای ارتباطات گسترده بین‌المللی و نگاه مثبت افکار عمومی بین‌المللی به ایران است که در طی این سال‌ها به واسطه استیلای رسانه‌های دشمنان ایران، همواره به ناحق در صدد سیاه‌نمایی وضعیت ایران بوده‌اند. پس از توافق هسته‌ای ایران و کشورهای ۵+۱، جمهوری اسلامی ایران، در کانون توجه رسانه‌های دنیا قرار گرفت و به سرعت به صدر و تیتراژ اول اخبار تمام رسانه‌های صوتی، تصویری و نوشتاری تبدیل شد. همه رسانه‌های بین‌المللی بر یک نکته تأکید داشتند و آن این‌که توافق مزبور یک اتفاق مهم تاریخی است و با رویکردی مثبت از این اتفاق استقبال نمودند. در واقع، در پی اعلام آمادگی جمهوری اسلامی ایران در عالی‌ترین سطح و با اراده جدی برای توافق هسته‌ای منطقی، توافق جامع هسته‌ای ایران و ۵+۱ در صدر اخبار رسانه‌ها با رویکردی مثبت بازتاب داده شد به نحوی که هم‌اکنون افکار عمومی بین‌المللی به حقانیت مواضع و منطق مسالمت‌آمیز و صلح‌طلب ایران پی برده و بدان اذعان نموده است.

نتیجه گیری

با عنایت به آنچه گذشت مشخص گردید که در پرتوی توافق هسته‌ای ایران و ۱+۵ هویت جدیدی از جمهوری اسلامی ایران نزد افکار عمومی بین‌المللی بر ساخته شده که متأثر از برداشت‌های کنش‌گران بین‌المللی در فرآیند مذاکرات هسته‌ای بوده است. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران از رهگذر دیپلماسی عمومی خود توانسته است با ایجاد جذابیت و نشان دادن چهره‌ای توانا از کشور و تقویت باور جامعه جهانی به صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران، وجهه بین‌المللی و جذابیت برای مخاطبان خارجی ایجاد کند تا از این طریق، به برسازی تصویر مثبت از کشور، نزد افکار عمومی بین‌المللی مبادرت نماید و به مدیریت تصویر و چهره خود در جهان بپردازد. در نتیجه، اگر نگرش سازه‌انگارانه و هویت بازیگران را پایه تحلیل خود از روابط و کنش‌های بازیگران در نظام بین‌الملل قرار دهیم، جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی خود توانسته است با تأثیرگذاری بر ادراک و برداشت دیگران، کنش و نگاه آنان را تغییر دهد و منافع خود را تأمین کند و به خنثی سازی پروژه ایران‌هراسی بپردازد. دولت یازدهم با تأکید بر تنش زدایی، بازسازی و اصلاح تعاملات با قدرتهای مؤثر بین‌المللی و تلاش در به سرانجام رساندن مذاکرات هسته‌ای تحت هدایت‌های مقام معظم رهبری توانسته است ضمن دستیابی به توافق جامع هسته‌ای تأثیری مثبت و گسترده بر افکار عمومی جامعه بین‌الملل بگذارد و فرصت‌های مناسبی را برای تهدیدزدایی از منطقه و آغاز همکاری‌های دوستانه بوجود آورد.

توافق جامع هسته‌ای از دو منظر بسیار حائز اهمیت است؛ اولین و مهم‌ترین تأثیر آن در بازسازی چهره ایران و به نوعی بازنمایی و برساختگی هویت جدید جمهوری اسلامی ایران در افکار عمومی بین‌المللی است. در این مرحله جمهوری اسلامی توانست منطق تفسیر غلط کشورهای غربی که بسیار تهدیدکننده بود را تغییر دهد و در جهت ارتقای وجهه و بهبود تصویرش در صحنه بین‌المللی گام بردارد.

دومین تأثیر این توافق که متکی بر قدرت نرم و ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی است موجب گردید فضای مثبت و ایده‌آلی به وجود آید که ایران در حوزه دیپلماسی عمومی خلاقیت و ابتکار عمل بیش‌تری از خود بروز دهد و در مسیر افزایش قدرت نرم و معرفی چهره واقعی و صلح طلب خود به جامعه جهانی تلاش نماید. به ویژه آن که پس از توافق هسته‌ای افکار عمومی جهان، با حسن نیت و از دریچه نوینی اقدامات جمهوری اسلامی را رصد خواهند نمود. *

کتابنامه

منابع فارسی

آقایی، سیدداوود (۱۳۸۶). *اتحادیه اروپایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سرای عدالت. احدی، افسانه (۱۳۸۸). «برنامه هسته‌ای ایران از نگاه دیپلماسی عمومی»، *فصلنامه راهبرد*، سال هجدهم، شماره ۵۱، تابستان، صفحات: ۲۶۹-۲۴۹.

احمدی، سیدعباس و حیدر لطفی (۱۳۸۹). «انقلاب اسلامی و نقش بین‌المللی ایران در منطقه»، *فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی*، سال دوم، شماره دوم، بهار، صفحات: ۱۲۱-۱۰۸.

ایزدی، فؤاد، حسین مهربانی فر، رامین چابکی و مهدی متین جاوید (۱۳۹۲). «ایران‌هراسی در آمریکا: بازنمایی شرق-شناسانه از برنامه هسته‌ای ایران در مستند ایران‌نیوم»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال دهم، شماره ۳۵، زمستان، صفحات: ۹۱-۶۹.

تیلر، هامفری (۱۳۸۷). «*بکارگیری دیپلماسی عمومی*»، در کتاب: دیپلماسی عمومی، ترجمه و گردآوری معاونت پژوهش دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت، دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲). «*بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری*»، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴/شهریور/۱۳۹۲، www.farsi.khamenei.ir

..... (۱۳۹۴). «*بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام*»، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۰/فروردین/۱۳۹۴، www.farsi.khamenei.ir

خضری، رؤیا (۱۳۸۸). «جایگاه فرهنگ در نظریه‌های روابط بین‌الملل»، *رهیافت انقلاب اسلامی*، سال سوم، شماره ۱۰، پاییز.

دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳). «جهانی شدن و نظام بین الملل»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن*، سال پنجم، شماره یازدهم (پیاپی ۱۴)، بهار.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸ الف). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سمت.
روحانی، حسن (۱۳۹۴). «نیمه نخست راه دولت ایجاد آرامش و ثبات در جامعه»، خبرگزاری ایرنا، ۹۴/۶/۷.
..... (۱۳۹۲). گفتگوی حسن روحانی با خبرگزاری کار ایران «مردم نباید به خاطر رأی دادن به
یک شخص خاص تنبیه شوند»، خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۲، www.ilna.ir.

سازمند، بهاره و مسعود براتی (۱۳۹۳)، *الزامات و چالش‌های دیپلماسی عمومی ایران در عصر جهانی شدن*، تهران: انتشارات مرکز ملی مطالعات جهانی شدن.

سراج، رضا (۱۳۸۸). «چرایی اتخاذ راهبرد ایران‌هراسی»، *ماهنامه موعود*، شماره ۱۰۵.
سلطانی‌نژاد، احمد، مصطفی زهرانی و مهدی شاپوری (۱۳۹۲). «آمریکا و برنامه هسته‌ای ایران: استراتژی
برچینش و ابزارهای آن»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال شانزدهم، شماره اول، بهار،
صفحات: ۱۴۷-۱۰۷.

سلیمی، حسین (۱۳۸۸). «رویکرد سازه‌انگاره به زمینه‌های اجتماعی روابط ایران و آمریکا»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال چهارم، شماره دوم، بهار.

شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۸۹). «ایران‌هراسی: دلایل و پیامدها»، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، سال دوم، شماره ششم.

شفیعی، نوذر و رؤیا زندیه (۱۳۹۲). «هویت در سازه‌انگاری و دیپلماسی عمومی؛ مطالعه موردی چین»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال شانزدهم، شماره ۵۹، بهار.

ظریف، محمدجواد (۱۳۹۳). «آنچه ایران واقعاً می‌خواهد: سیاست خارجی ایران در دوره روحانی»، سایت
خبری تحلیلی تابناک، تاریخ انتشار: ۲/۲ اردیبهشت/۱۳۹۳، www.tabnak.ir

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، *روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها*، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
کیاجوری، کیانوش (۱۳۹۰). «چرا ایران‌هراسی»، *پیام انقلاب*، شماره ۴۷.

متقی، ابراهیم و حجت کاظمی (۱۳۸۶). «سازه‌انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی
ایران»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴، زمستان.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴). *تحول در نظریه‌های روابط بین الملل*، تهران: سمت.

نای، جوزف (۱۳۸۶). «قدرت نرم ابزار موفقیت در سیاست جهان»، *مطالعات بسیج*، سال دهم، شماره ۳۶.

نصری، قدیر (۱۳۸۵). «فهم کانستراکتیویستی امر سیاسی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نهم، شماره ۳۴. ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ونت، الکساندر (۱۳۸۵). «مسئله کارگزار-ساختار در نظریه روابط بین‌الملل»، در: چالش علم و سنت، اندرو لینکلتر، ترجمه بهرام مستقیمی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

هادیان، ناصر (۱۳۸۲). «سازمانگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال هفدهم، شماره ۴.

هویف، تد (۱۳۸۵). «نوید مکتب برسازی برای نظریه روابط بین‌الملل»، در نواقح گرای، نظریه انتقادی و مکتب برسازی، ویراسته اندرو لینکلتر، ترجمه علیرضا طیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

منابع انگلیسی

- Allin, Dana H.; Simon, Steven, (2010). *The sixth Crisis: Iran, Israel, America and the Rumors of War*, Oxford, Oxford University Press.
- Bill, James A, (2001). "*The Politics of Hegemony: The United States and Iran*", Middle East Policy Council, 8: 3.
- Blair, Tony (2007). "*Iran extremism like rise of 1930s fascism*", The Times, 19 October, <http://www.timesonline.co.uk/tol/news/uk/article2693173.ece>.
- Chernus, Ira, (2010). "Iranophobia: The Panic of the Hegemons" *Tikkun*, Vol. 25, Issue6, November/December.
- Coughlin, Con (2006). "*Iran accused of hiding secret nuclear weapons site*", The Telegraph, at: <http://www.telegraph.co.uk/news/main.jhtml?xml=/news/2006/06/12/wiran12.xml>.
- Eytan Gilboa (2008). "*Searching for a Theory of Public Diplomacy*", The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science, 2008, 616: 55. <http://ann.sagepub.com/content/616/1/55>
- Fitzpatrick, Kathy R (2007). "Advancing the New Public Diplomacy: A Public Relations Perspective", *The Hague Journal of Diplomacy*, Volume 2, Number 3, October.
- Gertz, Bill, (2005). *U.S. report says Iran seeks to acquire nuclear weapons*, THE Washington Times, September 16, at: <http://www.washingtontimes.com/national/20050915-112916-1533r.htm>
- Hiro, Dilip (2006). "In the case of Iran: look before you leap", *Peace Conflict & Development*, Issue 9, July.
- Kieldanowicz, Marta Ryniejska, (2009). "*Cultural Diplomacy as a Form of International Communication*", Institute for Public Relations BledCom Special Prize, available at: <http://www.instituteforpr.org/topics/cultural-diplomacy-international-communication>.
- Lake, Eli (2010). "*Operation Sabotage: Our secret war against Iran*", The New Republic, 22

July.

- Mohseni, Ebrahim & Nancy Gallagher & Clay Ramsa (2015). *Iranian Public Opinion on the Nuclear Agreement*, September, Available at: www.cissm.umd.edu/publications/iranian-public-opinion-nuclear-agreement.
- Nakhleh, Emile A., (2009). *A Necessary Engagement: Reinventing America's Relations with the Muslim World*, Princeton: Princeton University Press.
- Nye, J.s, Jr, and William A Owens (1996). "America's Information Edge", *Foreign Affairs*, 75, no.2, March/April, P.23-36.
- Rosenau, James N (1971). *The Scientific Study of Foreign Policy*, New York: The Free Press.
- Sharp, Paul (2005). "Revolutionary States, Outlaw Regimes and the Techniques of Public Diplomacy", in Melissen, Jan, *The New Public Diplomacy Soft Power in International Relations*, New York, Palgrave macmillan, pp106-123.
- Spetalnick, Matt. (2013). "Americans back Iran deal by 2-to-1 margin", Reuters, 26 November.
- U.S National Security strategy (2002). "The National Security Strategy United States of America", the White House, Washington, September.
- www.pewglobal.org (2008). "Global economic gloom – china and India notable exceptions", Pew Global Attitudes Survey, Some Positive Signs for U.S. Image 24-Nation (June 12, 2008), <http://pewglobal.org/reports/pdf/260.pdf>.
- Yan, Holly and Josh Levs (2013). "Iran nuclear deal: One agreement, wildly different reactions", CNN, November 24.
- (2013). "Iran Nuclear Deal Draws Israeli Criticism, Saudi Silence", VOA News, November 24.
- (2013). "Lebanon hails agreement on Iranian n-programme", Business Standard, November 25.
- (2013). "Iran nuclear deal: Mixed global reactions to Geneva accord", Al Jazeera, November 24.
- <http://aftabnews.ir/fa/news/308157>- accessed on 15 July 2015.
- <http://www.isna.ir/fa/news/94041809814>- accessed on 15 september 2015.
- <http://www.yjc.ir/fa/news/4646106>- accessed on 25 November 2013.
- <https://fa.wikipedia.org/wiki/>- accessed on 29 March 2015.